

«خط باریک قرمز» مستندی با موضوع سایکودرام در سینمای ایران

تهران (پانا) - خط باریک قرمز نام فیلم مستندی است که به موضوع سایکودرام یا همان نمایش درمانی می پردازد. تلاشی که به وضوح در فیلم مطرح می شود و ادعای سازندگان آن در کنش ها، متریال تبلیغاتی، مصاحبه ها و متنی که در پایان فیلم نمایش داده می شود این موضوع را برای ما اثبات می کند.

موضوعی که می تواند مخاطب را کنجکاو، کند او را به دیدن فیلم ترغیب کند. سایکودرام از جمله موضوعاتی است که در سینمای مستند، داستانی و حتی تئاتر کمتر به آن پرداخته شده است و شاید نتوان نمونه بارزی را به سادگی مثال زد. بنابراین مخاطب با واژه ای روبروست که چیز زیادی از آن نمی داند.

یک کارگردان تئاتر با کمک تعدادی از افراد مشهور در رشته های مختلف از جمله کارگردانی، بازیگری، طراح حرکات فرم و مربی فن بیان و بدن تلاش می کند تا یک نمایش صحنه ایی را با نوجوانان بزهکاری که با جرم های مختلف دوران محکومیت خود را در کانون اصلاح و تربیت به سر می برند روی صحنه ببرد. هر یک از آن ها در فواصل مختلف وارد داستان می شوند و قرار است به قول معروف یک گوشه کار را بگیرند تا پروژه به سرانجام برسد.

اما روایت آشفته تر از این قصه ی دو خطی است که من برای شما تعریف کردم. در واقع قصه همان است، اما فیلم به دلیل هیجان زدگی در مواجهه با سوژه و محیط از گفتن آن باز می ماند. خط باریک قرمز بی مقدمه آغاز می شود و نماهایی که قصد معرفی مکان و جغرافیا را دارند بیشتر سعی می کنند با یک موسیقی رعب آور و صداهای اغراق شده فضای وحشت را به تماشاگر القا کنند و البته زوایای انتخاب شده و حرکت دوربین را هم نباید فراموش کرد.

فیلم با گریم محکومین آغاز می شود، قرار است آنها گریم های تئاتری اغراق شده ایی داشته باشند تا چهره شان شناخته نشود. گریمی شبیه کاراکتر جوکر، اما در عمل کمکی به ناشناس شدن بچه ها نمی کند. صورت هایی که با رنگ سفید شده و خط باریک قرمزی در امتداد لب ها ادامه پیدا می کند. یک جا با گریم ظاهر می شوند و جای دیگر با نقاب، که آن هم کاربردی شبیه همان گریم های جوکری دارد.

در ادامه نماهایی از رد چاقو روی بدن ها و خالکوبی های عجیب خودنمایی می کند. انگار با گزارش شهری خوفناکی روبرو هستیم که می خواهد خبری ناگوار را به سمع و نظر بیننده برساند.

در سیمای اینجا بدترین جای دنیا است و این آدم ها در شهر؛ چیزهای شبیه برنامه معروف خطرناک ترین مردمان این شهر هستند. باهم درگیر می شوند و به صورت هم سیلی می زنند و با افتخار صحنه های جرم و درگیری شان را برای کارگردان بازسازی می کنند و در عین حال

آوازه های دسته جمعی می خوانند و به رقص و پایکوبی مشغول اند. انگار روایت جرم و صحنه های قتل و درگیری بخشی از جذابیت فیلم را تامین کند. به عنوان مثال نوجوانی که جرمش لواط با یک مرد چهل و هشت ساله است و در نمایی دیگر در حلقه گپ و گفت با کارگردان کسی با؛ بچه های جنوب شهر با دخترها کاری ندارند، فقط پسر؛ افتخار می گوید

فیلم در بیشتر لحظات قصد دارد تماشاگر را دچار احساسات کند بی آنکه درامی شکل بگیرد و آدم هایی که از بیرون برای کمک به این جریان حاضر شده اند، هر کدام به تمرین تک جمله ایی بسنده می کنند و تاثیرشان در روند شکل گیری نمایش

دیده نمی شود. بی مقدمه می آیند و ناگهان ناپدید می شوند. گویی صرف حضورشان در میان این مجرمین، قافل گیری آنها و در نهایت قافل گیری تماشاگر است. در واقع همانطور که مخاطب از حضور فرهاد اصلانی شگفت زده می شود و این اتفاق در مورد مهمان های دیگر هم صدق می کند.

اصلانی در نماهای ورود به کانون گیج و سردرگم است، انگار نمی داند به کجا آمد و قرار است چه بکند. می پرسد کسی مرا همراهی می کند یا باید تنها بروم؟

به نظر می آید حضور مهمانان دست آویزی برای جذاب کردن صحنه است و آمده اند تا رونقی هم برای گیشه به ارمغان بیاورند. یکی خاطره تعریف می کند و دیگری ترانه معروف لالایی فائقه آتشین را برایشان می خواند.

هنگامه قاضیانی نقش مادر را با بچه ها اتود می زند، اما گویی سعی دارد بدبختی و بی مادری آنها را به رخ شان بکشد تا جایی که دیگر چاره ای جز متاثر شدن و ریختن اشک ندارند. اگر مادرت اینجا بود به او چه می گفتی؟ یا در دیالوگ دیگری می گوید: اگر من در حقت مادری نکرده ام و کم گذاشته ام بگو تا جبران کنم. کمبود هایت را فریاد بزن تا شاید چند قطره اشکی نصیب مان شود. آری اگر مادرم پای گهواره من می نشست، من دیگر اینجا نبودم. شعر و شعار و لالایی و اشک و حسرت در هم آمیخته شده اند. و در پایان نمایشی گنگ را روی صحنه می برند که حاصل اش تک جمله هایی ست در باب ندامت و پشیمانی و سطل آبی که روی هم خالی می کنند تا بلکه از معصیت پاک شوند.

خط باریک قرمز می توانست با پرهیز از هیجان زدگی در مواجهه با سوژه و تماشاگر فیلم بهتری را که قابلیت های فراوانی برای قصه گویی دارد را به نحو بهتری نمایش درمانی باشد و موضوع استفاده کند. از طرف دیگر پرداختن به این نوع موضوعات در کشور ما دشواری های تولیدی موقعیتی ست که برای کانون اصلاح و تربیت فراوانی دارد و امکان تصویربرداری در جایی مثل همه فیلمسازان فراهم نمی شود. تمام